

توجه

کاغذ استفاده شده برای چاپ این کتاب از نوع بالکی است.

این کاغذ که کیفیتی مرغوب دارد و در سطح جهان از آن استفاده می شود، سه ویژگی عمده دارد:

- سبک وزن است.
- نور را بازتاب نمی دهد و چشم را خسته نمی کند.
- برای تولید آن درخت کمتری قطع شده است.



برگردان

گروه مترجمان

نویسنده

اصول: ۱۳۹۷ - م.

مستحضات نشر

تهران - و. ۱۳۹۷

موضوع

افسانه های ایران

رده بندی کنگره

۱۳۹۶ / ج ۹ / PZ۸

رده بندی دیویی

۳۹۸ / ۲

یادداشت

۱۳ : Because you love to hate me
tales of villainy

شابک

۹۷۸۰۶۰۰۹۸۷۱-۰۴-۹

شناسه افزوده

کهندانی، نیما. ۱۳۷۰. دبیر مجموعه

شماره کتابشناسی ملی

۵۰۶۹۵۵۰

عالمی زینت

از

چون عالمی زینت از منی، جلد اول
و یکدست باشد. سیدی یار، نیکولا یون
رنی، عهده، آدم، اول، را ائی، سومن، چینائی
کزوان آیهست، امین، کریمیان، مینا طالبی،
فائزه یوقی علیائی، دیاکو ابراهیمی،
منعبده کاظمیان، ربان، یوزغ،
دبیر مجموعه: نیما کهندازی،
بازیابی: نازنین، نخعی، نیما کهن
ناشر: باز

تصویرگر: امین طالبی
مسئول چاپ: یوزیا شرح‌دهی مقدم
مدیر هنری: خسرو خسروی
نویت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۷
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۷۱-۰۴۰۹
قیمت: ۲۲۵۰۰ تومان

تشریح

فهرست

- دِباچه ۱۳
- ناقوس مرگ ویکتوریا شواب / کژوان آبشت ۱۷
- زهر زیبا سندی پان / اشکان کریمیان ۵۳
- سرا نیکولایون / مینا طالبلی ۹۵
- خون ایمریو رنی عهدیه / فائزه برقی علیائی ۱۲۵
- تو، تو، همه چیز زیر سر تو است / آدم سیلورا / دیاکو ابراهیمی ۱۵۱
- موهبت خواسته‌های کوچک سارا انی / سعیده کاظمیان ۱۸۹
- گوون و آرت و لئس سومن چینانی / رباب پور عسگر ۲۲۹

دیباچه

«تو دلش رو نداری اونى که من خواى بشى. به آدم‌هایی مثل من احتیاج داری. به آدم‌هایی احتیاج داری که بتونی اون انگشت صاحب‌مردده رو سمت سون بگیری و بگی: تقصیر اون بود.»

— «تونى مانتانا» در صورت زخمی

شخصیت‌های شرور. داستان بی آن‌ها لطفی ندارد. قهرمان داستان بی آن‌ها نمی‌تواند اوج بگیرد. قهرمان‌های دلبندمان در غیاب دشمن باید وقت‌شان را با لگد زدن به سنگ‌های شایر^۳ بگذرانند یا شاد و شنگول در اسپیر اوم^۴ جای بنوشند. شخصیت‌های شرور را دوست داریم چون

1. Tony Montana

2. Scarface

3. The Shire

4. Spare Oom

دردهای شان را به میدان عمل می کشانند و با زخم های شان دژ می کوبند. از خوشی ها می گذرند و موانع جامعه را کنار می زنند تا داستان را پیش ببرند. شخصیت های شرور، برخلاف قهرمان های عزیزمان - خواه یا ناخواه - برای رسیدن به اهداف شان، هرگز دست از تلاش نمی کشند. برای همین است که پیش خودمان پیروزی شان را می خواهیم، به خودمان می آییم و می بینیم که امیدواریم موفق شوند و قسر دربروند، برای همین است که وقتی دست شان رو می شود، بار آسودگی و سرخوردگی به یک اندازه کمرمان را خم می کند. بالاخره آدم چطور ممکن است دلش سمت کسی نرود که برای خواسته هایش آن قدر سخت تلاش می کند؟

تا آنجا که افراط می دهد، همیشه با توسری خورها، با آن هایی که مورد سوءتعملم قرار گرفته اند، با همان آدم های به اصطلاح پلید، همدلی کرده ام. شاید تا حدی که دیدم از دنیا برگردد، آخر اصلاً وجود «خوب» و «بد» را زیر سؤال می بردم. شاید آنچه امروز خوب انگاشته می شود، فردا احمقانه باشد؛ ممکن است کارهای وحشتناکی که امروز انجام می شوند، بعد از یک سال، بعد از صد سال، ثابت کنند که بدی هایی ضروری هستند. از نظر من، خوب و بد همیشه به مدت پیچیده بوده است، از همان دوران کودکی که مکالمه ی خدا با شیطان درباره ی ایوب را به ما می آموختند، بر این باور بوده ام. آن مکالمه به این می ماند که آدم ببیند بهترین دوستش دارد یا دشمن قسم خورده ی او همدردی می کند؛ صبر کنین ببینم، شما دو تا با هم قهر نیستین؟

شخصیت های شرور در خلأ خلق نمی شوند؛ بلکه احتمالاً مصیبت ها چشیده اند و بهترین تصمیم های ممکن را گرفته اند، بماند که تصمیم های شان

شاید با تصمیم‌های ما متفاوت باشد. آن‌ها هم به‌اندازه‌ی خودشان در موقعیت‌های حقیقت و افتخار بوده‌اند که اغلب فراموش می‌شود (کسی جیمی لانسیترا^۱ را به خاطر دارد؟). شخصیت‌های شرور پذیرای خطرهایی می‌شوند که قهرمان‌های ما تاب پذیرفتنش را ندارند، تصمیم‌هایی می‌گیرند که قهرمان‌های ما جرأت گرفتنش را ندارند. در مرز خوب و بد زندگی می‌زنند و من به شخصه عاشق آن فضای خاکستری‌رنگ بین روشنایی و تاریکی هستم، جایی که همه‌چیز جذاب‌تر می‌شود، آدم‌ها پیچیده‌تر و کشیدنی‌تر، شوارتر. کافی است کمی به چشم‌های یک شخصیت شرور نگاه کنیم تا تاریکی‌های تاریک خودمان را در آن‌ها ببینیم، کنجکاو‌های دست‌نخورده و آرزوهای پنهان گسیخته‌مان را، خطی مبهم که معلوم نیست اصلاً وجود داشته یا نه.

چون عاشق نفرت از منی سرفا در ره شخصیت‌های شرور کاردرست نیست، درباره‌ی خود ما هم هست، با تمام کیکه‌و دبدبه‌مان. لای این چند ورق کاغذ، سیزده قصه‌ی شرارت خواهان یافت به قلم چند تن از برترین نویسندگان امروز، به‌علاوه‌ی نقدی بر یک کتاب که به‌دست سیزده نفر از سرشناس‌ترین کتاب‌بازها و وبلاگ‌نویسان یوتوب و دنیای وبلاگ‌نویسی نوشته شده است. (به یاد جمعی از نویسندگان خداوندگار بدبیاری از سال ۱۳۰۷ تاکنون). برخی از محبوب‌ترین شخصیت‌های نابه‌کار کهن و چندی چهره‌ی نو خواهید دید، چندی بازسازی‌شده و چندی ازبافت‌خارج‌شده اما به‌گونه‌ای فراتر از تصور. نگرش‌هایی که در این قصه‌ها مطرح می‌شود، ما را وادار می‌کند در عمیق‌ترین تصوراتمان

1. Jaime Lannister

۲. Friday the 13th: روز جمعه سال ۱۳۰۷ میلادی که در برخی خرافات غربی، روز بدبیاری تلقی می‌شود.

نسبت به خوب و بد تجدیدنظر کنیم، در مفهوم انسان بودن. زنده بودن. مرگ، زندگی، نفرت، عشق، انتقام، دل شکستگی — همه و همه اینجا جمع شده است.

شخصیت‌های شرور، همان پلیدهای دلچسب. ما عاشق نفرت از آن‌ها ایم و آن‌ها متنفر از عشق، تنها به این خاطر که تنفر، لزومِ خوب بودن را از سرشان باز می‌کند.
 و ما هم چیزی جز این نمی‌خواهیم.

♥♥ Ameriie

www.ketab.ir